داستان‌های داوطلبانه

دن اریلی، جان رالز و عباس عبدی

سعید اصغرزاده

بعید است کسی در حوزه اقتصاد رفتاری کار کرده باشد و نام دن اریلی را نشنیده باشد. او که اکنون دهه پنجم زندگی را به پایان می‌برد، آموزش را از حوزه فیزیک و ریاضی شروع کرد، خیلی زود به فلسفه و روانشناسی تمایل پیدا کرد و مدت کوتاهی طول کشید تا از مطالعه فلسفه هم به نفع روانشناسی منصرف شود.

او که دکترای خود را در حوزه روانشناسی شناختی دریافت کرده، بعدا دکترای دیگری هم در حوزه Business Administration (مدیریت کسب و کار) دریافت کرد و طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۸ در دانشگاه MIT به تدریس مشغول شد و پس از آن، به دانشگاه Duke رفت و هم‌اکنون تدریس را در آن‌جا ادامه می‌دهد. اگر چه او هرگز به‌صورت رسمی درس اقتصاد نخوانده است ولی از پیشتازان عرصه اقتصاد رفتاری در جهان محسوب می‌شود.

او در ارایه سخنرانی امسالش در تد در شهر ونکوور، به موضوع عدالت اجتماعی پرداخت. او می‌گوید وقتی داروهای مارک‌دار و داروهای ارزانقیمت را به افراد می‌دهیم، گرانقیمت‌ها، به افراد این حس را می‌دهند که موثرتر هستند در حالی که وقتی در قوطی‌های بی‌نام آنها را توزیع می‌کنیم، همه به یک اندازه اثر دارند.

وقتی از مردم آمریکا پرسیدند که اگر جامعه آمریکا را به پنج گروه ۲۰درصدی از نظر ثروت تقسیم کنیم، ثروت بایستی به چه نسبتی بین‌شان تقسیم شود. ۲۰درصد پایینی مردم حدس می‌زدند ۲درصد ثروت داشته باشند و ۲۰درصد بالایی، ۵۸ درصد. اما واقعیت این است که ۲۰درصد پایینی کمتر از ۰/۳درصد دارند در حالی که ۲۰درصد بالایی بیش از ۸۴درصد. به این تفاوت، خلأ آگاهی گفته می‌شود. اما در پژوهشی جالب از افراد پرسش شد که به نظرشان می‌بایست توزیع ثروت به چه شکلی باشد و افراد پاسخ داده بودند که ۲۰درصد پایینی بایستی ۱۰درصد داشته باشند و ۲۰درصد بالایی ۳۲درصد.

اختلاف میان آنچه مردم فکر می‌کنند جریان دارد با آنچه فکر می‌کنند ایده‌آل است را خلأ مطلوبیت می‌نامند. او می‌گوید که این تشابه در همه دنیا مشاهده شده. اریلی با اشاره به مفهوم عدالت اجتماعی، ارجاع به جان رالز می‌دهد. رالز می‌گفت جامعه‌ای عادلانه است که اگر همه مشخصات‌اش را بدانید، حاضر باشید داوطلبانه عضوش شوید، بدون این که بدانید در کدام بخش جامعه از نظر ثروت سر در می‌آورید. در نظر رالز، هر شخص از حقوق اولیه تخطی‌ناپذیری برخوردار است که بنیان آن عدالت است و حتی رفاه جامعه در کلیت‌اش نمی‌تواند آن را نقض کند. نابرابری اجتماعی باید (از طریق مداخله حکومت) تا حدی کاهش یابد که (الف) هسته اصلی حقوق دست نخورده بماند و (ب) بازدهی اقتصادی که برای رفاه جامعه لازم است، شدیدا ضربه نخورد.

اما من پیش خودم فکر می‌کنم که چگونه می‌توان این خلأ آگاهی را پر کرد؟ چگونه می‌شود آن عدالت اجتماعی که ما را از جبر جغرافیایی نالان نمی‌کند را به دست آورد؟ چگونه می‌توان داوطلب زندگی در هر جایی شد بی‌آن که دغدغه بی‌عدالتی را شاهد بود؟

یاد نوشته‌ای از عباس عبدی افتادم که سال‌ها پیش در روزنامه اعتمادملی آن را خوانده بودم. عبدی نوشته بود: برای اجرای یک سیاست یا اصلاح آن به چیزی بیش از دانش و آگاهی مرسوم و فردی نیازمندیم و تا وقتی که فاقد آگاهی جمعی در یک موضوع خاص باشیم و باور عمومی و نیروی حمایت‌کننده از این باور عمومی در آن زمینه حاصل نشود، امکان آن که آگاهی و دانش مرسوم و معمول منشأ اثری باشد کم است.

همه می‌دانند سیگار مضر است، اما این صرفا یک دانش معمول از آثار کشیدن سیگار است و فقط وقتی می‌توان شاهد کاهش مصرف آن بود که این دانش به باوری اجتماعی تبدیل شود. این باور از خلال کنش اجتماعی و جمعی حاصل می‌شود و خود نیز محرک چنین کنشی است و هنگامی که به باور جمعی تبدیل شد، آثار رفتاری خود را بر جای می‌گذارد، در قانون‌گذاری، در واکنش در برابر فرد سیگاری، در هزینه سیگار و... خود را نشان خواهد داد. آگاهی جمعی از یک سو محصول کنش جمعی است، کنشی که کمابیش سازماندهی خاص خود را دارد و از سوی دیگر این آگاهی منشأ و موجد کنش جمعی نیز هست. به‌علاوه مجرای اطلاع‌رسانی خاص خود را دارد. همچنین ارتباط تنگاتنگی با منافع اجتماعی دارد.

اگر آموزش و دانش و آگاهی معمول و فردی از خلال کلاس درس و کتاب منتقل می‌شود، مجرای انتقال آگاهی جمعی عمدتا از طریق رسانه‌های جمعی است، اگر رسانه‌های جمعی قادر به انتقال و تولید این نوع از آگاهی نباشند، چندان تاثیری در حیات سیاسی و اجتماعی نخواهند داشت. مطبوعات کنونی ما از این حیث دچار ضعف هستند. در این مطبوعات انواع آگاهی‌ها و اطلاعات وجود دارد، ولی کمتر مطلبی است که ارایه آن به‌گونه‌ای باشد که موجب آگاهی جمعی در آن زمینه شود. آزادی بیان یکی از شروط وجود آزادی در جامعه است، ولی آنچه که معرف بهتری برای وجود آزادی در یک جامعه است، امکان نشر و بسط آگاهی اجتماعی است.

شاخص جهانی بخشش و هنجارهای ایرانی

شاخص جهانی بخشش به ما ایرانیان نشان می‌دهد که نباید انگشت اتهام را تنها به سمت مسئولان نشانه رفت. در همه جوامع دنیا بسیاری از مسائل و مشکلات جامعه توسط افراد آن جامعه و با کمک‌های نقدی و غیرنقدی آنها حل می‌شود. فرهنگ نیکوکاری در جوامع موجب می‌شود مردم آن جامعه به جای توقع از دولت، خودشان برای حل آسیب‌هایشان آستین بالا بزنند. برای همین هم تشویق و جا انداختن این فرهنگ در میان مردم، در رشد کشورها و از میان برداشتن بخشی از مسائل و چالش‌های اجتماعی اهمیت بسزایی دارد. از طرف دیگر این امر در فرهنگ دینی اسلام هم بسیار توصیه شده است و این دین همواره ایرانیان را به نیکوکاری تشویق می‌کند. اما باید دید آیا واقعا فرهنگ ایرانیان تا اندازه‌ای که دین آنها را ملزم می‌کند، به نیکوکاری گرایش دارد؟ پاسخ بدین سوال را موسسه خیریه بین‌المللی CAF (بنیاد کمک به خیریه‌ها) به ما می‌دهد. براساس آمارهای این موسسه در سال ۲۰۱۱، ایران رتبه جهانی ۹۱ را در نیکوکاری به خود اختصاص داده است.

معرفی

«CAF» یک موسسه خیریه بین‌المللی است که کمک‌های بشردوستانه را تشویق و فرهنگ بخشش و اهدا را ترویج می‌کند و به دلیل تحقیقاتی که تا کنون در مورد موضوعات مختلف مربوط به امور خیریه انجام داده است، شهرت جهانی دارد. این موسسه در زمینه کمک‌های بشردوستانه و این که جوامع در سراسر جهان چگونه و چه مقدار به مراکز خیریه کمک می‌کند، آمار می‌دهد. CAF در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، بر مبنای نظرسنجی‌هایی که توسط موسسه گالوپ (Gallup) از مردم جهان در رابطه با فعالیت‌های خیریه‌شان به عمل آمد، تحقیقی انجام داده است که در نوع خود بزرگترین پروژه محسوب می‌شود و رفتار خیرخواهانه یا نیکوکارانه ۹۵درصد از جمعیت جهان را تحلیل و بررسی می‌کند. این تحقیق برای اولین بار این امکان را برایمان فراهم می‌کند که ببینیم رفتار خیرخواهانه افراد در سراسر جهان منطقه به منطقه و کشور به کشور با یکدیگر چه میزان متفاوت است.

در تهیه و تدوین گزارشی بین‌المللی با این موضوع، مدنظر قرار دادن میزان زمان کارهای داوطلبی برای انجام فعالیت‌های خیرخواهانه و توجه به کمک‌های نقدی حایز اهمیت است. چون توجه صرف به معیار ساده کمک‌های خیرخواهانه نقدی (مالی)، ممکن است کشورهای ثروتمند جهان را خیرخواه‌تر نشان دهد. به همین دلیل CAF، «شاخص جهانی بخشش» را تولید کرده که ترکیبی است از هر دو معیار پول و زمان تا بدین وسیله طبیعت متغیر و منحصربه‌فرد رفتار خیرخواهانه را انعکاس دهد و فراتر از آن بر تفاوت‌های فرهنگی و منطقه‌ای در زمینه انجام امور خیریه، تأکید کند.

این تحقیق براساس اطلاعات به دست آمده از نظرسنجی‌های انجام شده توسط موسسه گالوپ در ۱۵۳ کشور جهان، تدوین شده است؛ این کشورها در مجموع نماینده ۹۵درصد از جمعیت جهان هستند. در اغلب کشورهای مورد بررسی، ۱۰۰۰ پرسشنامه توسط جامعه نمونه‌ای متشکل از افراد بالای ۱۵ سال که در مناطق شهری زندگی می‌کردند، تکمیل شد. برای تولید شاخص جهانی بخشش، میانگینی از سه معیار تولید ناخالص داخلی سرانه براساس برابری قدرت خرید، رفاه (احساسی که افراد نسبت به زندگی خود دارند که این در ارتباط مستقیم با فعالیت‌های خیرخواهانه است) و تقسیم‌بندی کشورهای دنیا به ۱۳ منطقه براساس تقسیم‌بندی سازمان ملل متحد و به منظور در نظر گرفتن برخی هنجارهای سیاسی و واقعیت‌های جغرافیایی گرفته شد. همچنین در این شاخص، سه رفتار خیرخواهانه یعنی کمک نقدی به موسسات خیریه، فعالیت‌های داوطلبی و کمک به افراد نیازمند ناشناس، لحاظ شده است.

بنگاه‌های اقتصادی هم در این میان نقش مهمی بازی می‌کنند. آنها می‌توانند در حمایت از فرهنگ بخشش و کمک در محل کار با تشویق فعالانه کارکنان ماهر در داوطلب شدن و فراهم کردن راه‌های آسان و موثر برای ایشان جهت کمک‌های خیرخواهانه‌شان به جوامع محلی فعال باشند

نکته کلیدی و مهم این است که وقتی مفهوم کمک‌های خیریه و داوطلبانه چیزی بیش از کمک‌های نقدی در نظر گرفته می‌شود، کشورهایی که در ابتدای صف قرار می‌گیرند و پیشرو به حساب می‌آیند لزوما آن دسته از کشورهایی نیستند که در باور عموم، خیر و انساندوستند. بر طبق گزارش سال ۲۰۱۱، ایالات متحده آمریکا خیرترین کشور جهان با اندازه شاخص ۶۰درصد است و ضمنا این نخستین‌بار است (از سال ۲۰۱۰ تا کنون) که کشوری به امتیاز ۶۰درصد رسیده است. ایرلند و استرالیا به ترتیب رتبه دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند.

منطقه خاورمیانه دربردارنده کشورهای نفت‌خیز جهان است. با این حال کمک‌های نقدی خیرخواهانه به موسسات خیریه بسیار کمتر از کمک به افراد نیازمند ناشناس رواج دارد و تقریباً فقط ۲۰ درصد از جمعیت این منطقه به سازمان‌ها و موسسات خیریه کمک مالی می‌کنند. این منطقه همچنین دربردارنده کمترین آمار مربوط به فعالیت‌های داوطلبی است. (چیزی در حدود ۱۳درصد از جمعیت این منطقه). قطر رتبه اول در انجام فعالیت‌های خیرخواهانه (مجموع سه رفتار) در خاورمیانه را دارد و ضمنا در میان ۲۰ کشور برتر دنیا قرار گرفته است به این دلیل که در حدود دوسوم جمعیت قطر (۶۴درصد) به خیریه‌ها کمک مالی کرده‌اند. نکته قابل توجه آن است که عراق که پایین‌ترین سطوح کمک‌های مالی خیرخواهانه و فعالیت‌های داوطلبی را داشته است، در رابطه با کمک به افراد نیازمند ناشناس در میان ۲۰ کشور برتر دنیا قرار گرفته است. همان‌گونه که آمار و ارقام نشان می‌دهد، سبک و الگوی رایج و غالب فعالیت‌های خیرخواهانه در منطقه، کمک نقدی به افراد نیازمند ناشناس است و کمترین میزان کمک نیز به فعالیت‌های داوطلبی اختصاص دارد. (فعالیت‌های داوطلبی از کمترین محدودیت برخوردارند.)

وضعیت ایران

مطابق با گزارش سال ۲۰۱۰، ایران با کسب رتبه ۸۶، از منظر فعالیت‌های خیریه، هشتاد و ششمین جایگاه را در جهان از میان ۱۵۳ کشور به خود اختصاص داده است، با ۳۵درصد کمک‌های نقدی به سازمان‌ها و موسسات خیریه، ۱۲درصد فعالیت داوطلبی و ۳۸درصد کمک به افراد نیازمند ناشناس. این درحالی است که در گزارش سال ۲۰۱۱ رتبه ایران به کشور ۹۱ در جهان رسیده است. همان‌طور که از آمارها برمی‌آید، شیوه رایج و غالب فعالیت‌های خیرخواهانه در کشور، کمک به افراد نیازمند ناشناس است. ایران درحالی در جایگاه نهم در منطقه خاورمیانه و آسیای غربی قرار گرفته است که قطر رتبه اول، امارات متحده عربی رتبه سوم و افغانستان در مقام پنجم ایستاده است. عربستان نیز تنها به علت افزایش در میزان فعالیت‌های داوطلبی از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱، روندی بسیار صعودی داشته و از رتبه ۸۷ در جهان به ۵۷ ارتقا پیدا کرده است. در این میان به‌نظر می‌رسد که نسبت به ترکیه وضع بهتری داریم چون ترکیه، رتبه ۱۳۴ در جهان با ۱۴درصد کمک نقدی به موسسات خیریه، ۷درصد فعالیت داوطلبی و ۳۵درصد کمک به افراد نیازمند ناشناس داشته است. برخلاف تصور موجود، آمارها نشان می‌دهد که ایران در انجام امور خیریه، خوب عمل نمی‌کند. شاید بتوان با نگاهی به درآمد سرانه کشور و اوضاع نابسامان اقتصادی و تورم فزاینده‌ای که بر شکاف طبقاتی می‌افزاید توضیحی برای این موضوع پیدا کرد. اما نکته دیگر این است که از میزان فعالیت‌های دو دهک برتر درآمدی جامعه نیز آمار دقیقی در دست نیست. پس ریشه این واقعیت (کسب رتبه ۹۱ در دنیا براساس شاخص جهانی بخشش) نه‌تنها در دلایل اقتصادی است بلکه در فقر فرهنگی نیز هست. چگونه باید فرهنگ کمک به موسسات خیریه را در جامعه و حداقل میان دو دهک بالای درآمدی، نهادینه کرد؟ چه اقداماتی در راستای فرهنگ‌سازی، آگاهی رسانی و ترویج امور خیریه باید انجام شود؟ نقش دولت در این میان چیست؟ با تدوین چه برنامه‌ها و اتخاذ چه سیاست‌هایی می‌تواند در جهت ارتقای فرهنگ نیکوکاری، گامی به جلو بردارد؟

نقش دولت‌ها در این میان بسیار مهم است. دولت می‌تواند با تأسیس وزارتخانه‌ای به منظور حمایت از جامعه مدنی به حداکثرسازی اثربخشی موسسات خیریه و سازمان‌های غیردولتی از طریق اطمینان یافتن از وجود استانداردهای حداقلی حاکمیت و نظارت بپردازد. از دیگر اقدامات دولت‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تولید و تقویت «هنجار اجتماعی» کمک و بخشش، تبلیغ، ترویج و آگاهی رسانی
- انجام تحقیقاتی مرتبط با امور خیریه در سطح ملی
- اعمال تسهیلات مالیاتی برای افراد خیر و انساندوست
- همکاری با سازمان‌ها و مراکز خیریه خصوصی جهت تسهیل امر فعالیت‌های داوطلبی
- همکاری با بانک‌ها و مشاوران مالی برای ترویج و حمایت از کمک‌های خیرخواهانه
- ترویج و حمایت از منابع جایگزین برای تأمین مالی موسسات اجتماعی مانند سرمایه‌گذاری اجتماعی، مایکروفایناننس (سرمایه‌خرد) و سرمایه خصوصی
- سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های داوطلبی اثربخش و تسهیل تأمین مالی

اما تنها دولت‌ها نیستند که باید در این زمینه بکوشند، مردم نیز وظیفه دارند وضع نیکوکاری را در محیط اطراف خود ارتقا دهند. افراد می‌بایست ارزیابی کنند که چقدر زمان و پول می‌توانند به فعالیت‌های نیکوکارانه و خیرخواهانه اختصاص دهند. باید «هنجار» اجتماعی وجود داشته باشد که افراد، حداقل ۱،۵ درصد از درآمدشان را به موسسات خیریه کمک کنند که البته این درصد نسبت به میزان ثروت و درآمد افراد باید متغیر باشد. همچنین با کمک‌های منظم و برنامه‌ریزی شده به موسسات خیریه به آنها کمک کنند تا اثرات عمیق‌تر و بزرگتری بیافرینند.

بنگاه‌های اقتصادی هم در این میان نقش مهمی بازی می‌کنند. آنها می‌توانند در حمایت از فرهنگ بخشش و کمک در محل کار با تشویق فعالانه کارکنان ماهر در داوطلب شدن و فراهم کردن راه‌های آسان و موثر برای ایشان جهت کمک‌های خیرخواهانه‌شان به جوامع محلی فعال باشند. چاپ و انتشار گزارش سالانه مسئولیت اجتماعی‌شان به‌عنوان بخشی از گزارش‌دهی معمول کسب و کار با روندی پیوسته و مقایسه‌ای یکی از اقداماتی است که در سال‌های اخیر بنگاه‌های اقتصادی را بیش از پیش در نیکوکاری فعال ساخته‌است.

موسسات خیریه به‌عنوان نهادهایی که نیکوکاری وظیفه اصلی آنها محسوب می‌شود می‌توانند به بهترین نحوی ترویج فرهنگ نیکوکاری را تسهیل کنند. از اقدامات آنها می‌توان متقاعدکردن دولت و نهادهای اجتماعی برای همکاری نزدیک، پیوسته و موثر با سازمان‌های خیریه و متعهد کردن آنها به تعریف و اجرای پروژه‌های مشترک هدفمند اشاره کرد.

بر اساس نظر جامعه‌شناسان، اختصاص زمان یا پول داوطلبانه برای کمک به دیگران، یکی از نشانه‌های وجود انسجام و یکپارچگی در جامعه است. تقریبا همه کشورها، فرهنگ‌ها و ادیان، سنت‌ها و رسوم خاص خودشان را در مورد فرهنگ اهدا و کمک‌های خیریه و بشردوستانه دارند که این سنن مختلف، توسط تاریخ، آداب و رسوم و مذاهب شکل گرفته‌اند. سطح و مقدار کمک‌های خیرخواهانه در یک کشور- محدوده‌ای که در آن اشخاص، علاقه‌مند به کمک‌های خیریه هستند و ضمنا قادرند و این توان (مالی) را دارند که پاسخگو و تأمین‌کننده نیاز افراد نیازمند چه در داخل و چه خارج از مرزهای کشورشان باشند – نشان‌دهنده قوت و استحکام جامعه مدنی در آن کشور است. علاوه بر این با ترویج فرهنگ خیرخواهی و نیکوکاری می‌توان مردم را به نیکوکاری ترغیب و به نوبه خود در استحکام بخشی به جامعه مدنی کمک کرد.

پاورقی هفته

۱

شیگو رابان

معمار

ابتکارات داوطلبانه بین‌المللی

پناهگاه مقوایی

خیلی قبل از این که موضوع پایداری تبدیل به حرف روز مردم شود، معمار شیگورابان شروع به تجربه ساختمان‌هایی با مصالح حافظ محیط‌زیست مثل لوله‌های مقوایی و مقوا کرد. بناهای او اغلب به‌عنوان مسکن موقت، برای کمک به محرومان در کشورهای فاجعه‌زده مانند هائیتی، رواندا یا ژاپن درنظر گرفته شدند. اما اغلب این ساختمان‌ها برای مدت‌های طولانی پس از این که مورد استفاده قرار می‌گیرند به چشم‌انداز مورد علاقه مردم مبدل می‌شوند.

سلام، من یک معمارم و تنها معمار در جهان هستم که ساختمان‌ها را با لوله مقوایی می‌سازد، در سال ۱۹۸۶ درواقع خیلی قبل از این که مردم شروع به توجه کردن به مسائل اکولوژی و محیط‌زیست کنند، من شروع به آزمایش روی لوله‌های مقوایی به منظور استفاده از آنها برای اسکلت ساختمان کردم. آزمایش مواد جدید برای استفاده در ساختمان‌سازی بسیار پیچیده است، اما این لوله‌ها از آنچه که انتظار می‌رفت بسیار مقاوم‌تر و قوی‌تر بودند، همچنین ضدآب کردن این لوله‌ها بسیار آسان بود و چون این یک ماده صنعتی است، ضدآتش و نسوز کردن آنها ممکن است.

سپس در سال ۱۹۹۰، من یک بنای موقتی ساختم و این اولین بنای موقتی بود که از کاغذ ساخته شده بود. در آن ۳۳۰ لوله به قطر ۵۵سانتی‌متر وجود داشت و تنها ۱۲ لوله به ضخامت ۱۲۰ سانتی‌متر بود که حدود ۴ فیت عرض داشت. در سال ۲۰۰۰، در آلمان نمایشگاه بسیار بزرگی برپا بود و از من خواسته شد که ساختمان را طراحی کنم. چون که موضوع نمایشگاه مسائل محیط‌زیستی بود. بنابراین از من خواسته شد که غرفه‌ای از لوله‌های مقوایی بسازم، کاغذهای بازیافت شده. هدف من در طراحی این ساختمان کامل نشد. درواقع هدف من وقتی کامل شد که این ساختمان تخریب شد، زیرا همه کشورها غرفه‌های زیادی را می‌سازند اما بعد از یک سال، ما نخاله‌های ساختمانی و ضایعات صنعتی زیادی ایجاد می‌کنیم. خب بناهای زیادی باید دوباره مورد استفاده قرار گیرند یا بازیافت شوند. بعد از این که این بنا بازیافت شد. این هدف نهایی طراحی من بود. بعد از آن من بسیار خوش‌شانس بودم که برنده مسابقه‌ای به منظور احداث دومین پمپیدوسنتر فرانسه در شهر متز شدم. چون من خیلی فقیر بودم می‌خواستم که یک دفتر در پاریس اجاره کنم، ولی استطاعت آن را نداشتم. بنابراین تصمیم گرفتم که شاگردانم را برای احداث دفترم در پشت‌بام پمپیدو سنتر پاریس بیاورم تا آن را خودمان بسازیم. خب ما لوله‌های مقوایی و اتصالات چوبی برای احداث یک دفتر کار به طول ۳۵ متر خریدیم. ما بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای برای اجاره مدت شش سال آن جا ماندیم. سپس من مرکز پمپیدو را در متز تمام کردم و حالا این موزه بسیار مشهوری است و من برای دولت یک بنای یادبود بزرگ درست کردم.

اما در حرفه‌ام به‌عنوان معمار بسیار ناراضی و مأیوس بودم، زیرا کمکی نمی‌رساندیم و برای جامعه کاری نمی‌کردیم، ما در اصل برای افراد صاحب منصب، ثروتمندان، دولت و ساخت و سازکنندگان کار می‌کردیم. آنها پول و قدرت دارند. این چیزها نامرئی هستند. خب آنها ما را استخدام کرده بودند تا قدرت و پول‌شان را با ساختن یک بنای یادبود در پیش چشم دیگران به نمایش بگذاریم. این تخصص ما است، با این که به‌صورت تاریخی این به همان شکل انجام پذیرفت و با این که ما الان هم در حال انجام همان کار هستیم. بنابراین من بسیار مأیوس بودم که ما برای جامعه و مردم کار نمی‌کنیم، با این که افراد زیادی بودند که خانه‌هایشان را به واسطه بلایای طبیعی از دست داده بودند. اما باید بگویم اینها بلایای طبیعی نیستند. برای مثال، هرگز زلزله مردم را نمی‌کشد، اما فروریزی ساختمان‌هاست که مردم را می‌کشد و معماران مسئول این هستند.

کار داوطلبانه

طرح‌های بانکی در روز کار داوطلبانه

سال گذشته دو طرح توسط مرکز ترویج حاکمیت و مسئولیت شرکتی به منظور روز کار داوطلبانه به بانک ملت پیشنهاد شده بود که نظر به جذابیت و کاربردی بودن آن امسال نیز در آستانه روز کار داوطلبانه آن را منتشر می‌کنیم.

طرح اول:

طرح ۱۰×۱۰۰ همراه با کتابچه مصور

طرح اول یک طرح اجرایی است که می‌تواند با توجه به امکانات و منابع موجود، بروکراسی اداری و زمان باقیمانده آن را اجرایی کرد: در این طرح رؤسای شعب و مدیران ارشد بانک ملت در ۱۰ استان کشور به دانش‌آموزان و معلمان در ۱۰۰ مدرسه سواد مالی، ارزش پول، تفاوت بین دخل و خرج، مدیریت مالی، مدیریت پول توجیبی و روش‌های پس‌انداز را آموزش می‌دهند. این آموزش می‌تواند هم در مدارس و هم در محل ادارات استانی صورت پذیرد. برای هویت دادن به این اقدام داوطلبانه انجام شده توسط رؤسا و مدیران بانک ملت از دانش‌آموزان خواسته می‌شود تا آنچه آموخته‌اند را به تصویر بکشند. بچه‌ها از این طریق دعوت شدند تا با نقاشی، تور گردشی به بانک ملت و سوال و جواب با کارکنان بانک ملت، درباره بانک و عملکرد بانک و خدمات ملی و مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری بیشتر بدانند. پس از آن بچه‌ها دعوت می‌شوند که آموخته‌های خود را در نقاشی و طراحی نشان دهند. از نقاشی‌های کودکان می‌توان کتابی چاپ کرد و به‌عنوان هدیه برای مشتریان خاص استفاده کرد یا آن را در میهمانی‌ها و مراسم ویژه بانک توزیع کرد یا از آنها برای طرح روی کارت‌های هدیه بانک ملت استفاده کرد و در پشت پاکت این کارت‌ها شرح این که این طرح‌ها در روند روز کار داوطلبانه کارکنان بانک ملت به‌دست‌آمده، نوشته شود. این کتاب در میهمانی و جشن‌های بانک توزیع می‌شود و بچه‌ها نیز در این میهمانی شرکت می‌کنند و همراه با مدیرعامل، به امضای کتابچه می‌پردازند.

طرح دوم:

بانک ملت خط‌مشی و سیاست خود را در مورد انجام کار داوطلبانه توسط کارکنانش در روز ۱۶ اردیبهشت اعلام و رونمایی می‌کند که براساس این طرح کارکنان می‌توانند در فعالیت‌های داوطلبانه متنوعی از جمله آموزش مدیریت مالی، پس‌انداز و مدیریت پول توجیبی به معلمان و دانش‌آموزان مدارس، آموزش ایمنی و محیط‌زیست توسط کارکنان دپارتمان HSE بانک ملت، مراسم کتابخوانی، مراسم جشن تولد برای کودکان سمن‌ها، بازدید از برخی آسایشگاه‌ها و NGOها، کمک به خانه سالمندان و اهدای وسایل و لباس شرکت کنند. بانک ملت می‌تواند آیین‌نامه کار داوطلبانه را تدوین کرده و توسط بنیاد فرهنگی ملت و مدیریت منابع انسانی و روابط عمومی بانک ملت اجرایی کند که از روز ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۳ آغاز و تا پایان سال ادامه پیدا می‌کند و براساس آن از هر شعبه یک نفر به قید قرعه برای انجام کار داوطلبانه انتخاب می‌شود و در انتها بانک از فرد داوطلب تقدیر به عمل می‌آورد.

اخبار داوطلبی

مدیرعامل ستاد دیه استان تهران خبر داد:

آزادی ۸۵۰ زندانی جرایم غیرعمد در سال گذشته و ۳ زن زندانی در روز زن

مصطفی محمدی با بیان این که مجموع بدهی زندانیان جرایم غیرعمد آزاد شده در سال گذشته ۸۹ میلیارد تومان بود، افزود: ۱۹،۵ میلیارد تومان از کل این مبلغ از شاکیان رضایت گرفتیم.

به گفته وی، ۲ میلیارد تومان از کل مبلغ بدهی توسط خیرین تأمین شده است. محمدی، اعسار، وام‌های بانک‌های عامل، آورده خانواده، کمک‌های کمیته امداد امام خمینی (ره)، بیمه و ستاد دیه را از دیگر منابعی عنوان کرد که از طریق آنها بدهی زندانیان جرایم غیرعمد تأمین شده است. وی افزود: میزان اعسار حدود ۳۵۸ میلیارد ریال بود که این مددجویان با تقاضای اعسار پیش قسطی را ابتدا پرداخت کرده و بعد از آزادی هر ماه مبلغ بدهکاری را به صورت قسطی پرداخت می‌کنند. مدیرعامل ستاد دیه استان تهران اظهار داشت: همزمان با هفته بزرگداشت مقام زن، ۳ زندانی از زندان‌های استان با بدهی در حدود ۱۸۳ میلیون تومان قرار بود آزاد شوند که ۲ نفر آنها آزاد شدند و یک نفر دیگر در آستانه آزادی است و مبلغ ۱۳۳ میلیون تومان برای آزادی این ۳ بانو از سوی ستاد دیه استان پرداخت شده است. محمدی با قدردانی از عملکرد بانک‌های عامل در آزادی زندانیان جرایم غیرعمد بیان کرد: در سال گذشته بانک‌ها با اعطای ۸۱ میلیارد و ۴۲۴ میلیون ریال وام به زندانیان، زمینه آزادی آنان را فراهم کرده است.

وی جلب مشارکت‌های مردمی برای تسریع آزادی زندانیان جرایم غیرعمد را از مهم‌ترین اولویت‌های ستاد دیه در سال «دولت و ملت، همدلی و همزبانی» عنوان کرد و گفت: امیدواریم با کمک‌های خیرین و گذشت رضایتمندانه شاکات زمینه آزادی زندانیان جرایم غیرعمد از زندان‌ها فراهم شود.